

## بررسی منازعه ایران و عربستان در یمن با رویکرد روانشناختی سیاسی

\* مجید روحی دهبینه  
\*\* نادر یعقوبی

### چکیده

ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی تاکنون درگیر رقابت در حوزه منطقه خاورمیانه هستند. این رقابت در یمن شکل منازعه گرفته و به‌ویژه پس از تهاجم عربستان و متحدینش به یمن از سال ۲۰۱۵ افزایش داشته است. منازعه ایران و عربستان در یمن اغلب در چارچوب رویکرد واقع‌گرا و یا سازه‌نگاری بررسی شده و کمتر در قالب‌های دیگر مطالعه شده است. این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال تبیین این پرسش است که منازعه ایران و عربستان در یمن از منظر رویکرد روانشناختی رابرت جرویس چگونه تحلیل می‌گردد؟ با توجه به اینکه رفتار کشورها براساس باورهای آنها انتظام می‌یابد؛ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برداشت و سوءبرداشت حکام عربستان نسبت به افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و همچنین تمایل حکام این کشور در باور و تصویر قبلی از ایران که با اطلاعات جدید از قدرت ایران درک و پردازش می‌شود، آنها را درگیر یک معمای امنیت ساخته و از این منظر موجب تشدید منازعه میان دو کشور در بحران یمن شده است.

### واژگان کلیدی

ایران، عربستان، یمن، رابرت جرویس، خاورمیانه.

\*. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. majidroohi@iaurasht.ac.ir  
\*\*. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. nader.yaghobi@gmail.com  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۳  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۱

## طرح مسئله

روابط ایران و عربستان در بیش از یک دهه اخیر درگیر منازعه بوده است. این منازعه از سال ۲۰۱۱ با توجه روند تحولات منطقه‌ای همچون بحران سوریه، تحولات عراق، جنبش اجتماعی بحرین، تشدید فعالیت گروه‌های افراطی رو به گسترش بوده است. با وجود این، یکی از مهم‌ترین موضوعات منطقه‌ای موثر بر ایران و عربستان طی سال‌های اخیر، بحران یمن است؛ به گونه‌ای که رقابت‌های دو کشور در این پهنه به منازعه تبدیل شده است. (رحم دل و دیگران، ۱۳۹۸؛ Fraihat, 2020)

یمن به دلایلی همچون استبداد طولانی مدت دولت، افزایش قیمت‌ها، فساد و فقر حاکم بر کشور طی دهه‌ها، از ژانویه ۲۰۱۱ همگام با مصر و تونس درگیر جنبش اجتماعی شد. سیر تحولات یمن طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ به گونه‌ای پیش رفت که قدرت از دست گروه‌ها و افراد مورد حمایت عربستان خارج شد. به همین دلیل ریاض در مارس ۲۰۱۵ با تشکیل ائتلافی از کشورهای متحد شامل کشورهای عربی و اسلامی، یمن را مورد حمله قرار داد. این تهاجم نظامی در ابتدا به صورت عملیات هوایی و در ادامه عملیات زمینی را نیز به همراه داشت. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵؛ ۱۶۹)

ریاض قبل از تهاجم به یمن با جابجایی در خاندان سلطنتی مواجه شد که تغییرات مهم در سیاست خارجی این کشور را نیز به همراه داشت؛ از این رو تحت رهبری ملک‌سلیمان از سال ۲۰۱۵ نقش فعال و ناسازگارانه‌ای را در سطح مناطق بحرانی و از جمله یمن ایفا نموده است. یکی از دلایل، بلکه عامل اصلی این تهاجم تغییر نخبگان در ریاض است که بر دیدگاه این کشور در قبال ایران نیز موثر بوده است. رویکرد ایران در قبال بحران یمن و منازعه با عربستان، بیش از هر چیز بر مبنای به قدرت رسیدن گروه‌های همگرا و نیز تأثیر آن بر موازنه قدرت منطقه‌ای شکل گرفته است.

با آنکه منازعه ایران و عربستان در یمن بیشتر از رویکردهای واقع‌گرا و هویت محور تأثیر پذیرفته است، پژوهش حاضر با رویکرد روان‌شناختی به این موضوع می‌پردازد. در نظریه روان‌شناختی رابرت جرویس، از آنجاکه فاکتورهای اصلی دخیل در رفتار بازیگران، بر اساس تصویر، نیت و باور شکل می‌گیرد، برداشت و سوء برداشت حکام عربستان نسبت به افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و تمایل حکام عربستان بر باور و تصویر قبلی از ایران که با اطلاعات جدید از نفوذ و قدرت ایران، درک و پردازش می‌شود، آنها را درگیر معمای امنیت کرده و موجب تشدید منارعه میان دو کشور در یمن شده است. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵؛ ۱۵۸ - ۱۵۶؛ مهدویان و دیگران، ۱۳۹۶؛ ۲۰۳ - ۲۰۴؛ Bin Huwaidin, 2015)

## ۱. چارچوب نظری بحث

تحلیل سیاست خارجی از حوزه‌های اصلی مورد توجه در بررسی رفتار خارجی دولت است. تحلیل

سیاست خارجی؛ یعنی مطالعه فرایند و نتایج تصمیم‌گیری و پیامدهای آن بر کنشگران خارجی. دولت در تحلیل سیاست خارجی مفهومی انتزاعی است (خسروی و میرمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۴ - ۱۵۲) بلکه این افرادند که به صورت فردی یا در درون گروه، به نام دولت تصمیم‌گیری می‌کنند. (مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۴، احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی: تحلیلی چند منظوره، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، ش ۳، تابستان، ص ۱۶۹ - ۱۳۹) به عبارتی، تحلیل سیاست خارجی سطوح کارگزاری و فردی را در قالب تصمیم‌گیری به هم پیوند می‌زند و به نقش و تأثیر متغیرهای روانی، شخصی، ادراکی، برداشت‌ها، تصورات و انتخاب‌های افراد تصمیم‌گیرنده، در سیاست خارجی می‌پردازد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۲ / ۴۰) نقش روان‌شناسی در سیاست خارجی، بررسی باورها و ادراکات افراد تصمیم‌گیرنده است. در این بین رابرت جرویس<sup>۱</sup> استاد روابط بین‌الملل دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۷۶ با انتشار کتاب «برداشت و سوءبرداشت در سیاست بین‌الملل»<sup>۲</sup> و طرح تأثیر مفهوم برداشت و سوءبرداشت تصمیم‌گیرندگان بر سیاست خارجی، گامی مهم در این زمینه برداشت. جرویس در این کتاب به بررسی پیامدهای سوءبرداشت در سیاست خارجی و شناسایی عوامل ایجادکننده آن پرداخته است.

جرویس بر این نظر است که تمرکز اصلی تحلیل سیاست خارجی باید بر رهیافت روانشناسانه و تأثیر آن باشد. او با توجه به فرایندهای ادراکی، باورها و برداشت‌ها یا همان مفروضات، کنشگران را دارای نقش تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری می‌داند. باورهای افراد درباره جهان و تصویری که از دیگران دارند؛ یعنی ادراکات آنها، بخشی از علل کنش است. (Jervis, 1976)

تنها راه دستیابی به باورها، استنباط آنها از رفتار است. باورهای افراد میل به هماهنگی و توازن دارند. در ساختاری متوازن همه روابط میان عناصر خوب و همه روابط میان عناصر بد مثبت یا بی‌اثر هستند و رابطه میان عناصر خوب و بد منفی است. بخش دیگر این توازن، رابطه بین ادراک و احساس است. در این مورد تمایل به نسبت دادن خصوصیات خوب به دولت‌های مورد علاقه و خصوصیات بد به دولت‌های مورد نفرت افزایش می‌یابد. پس:

اگر به‌رغم شواهد مغایر، باز هم تصمیم‌گیرندگان اصرار داشته باشند که دولت مورد علاقه آنها واجد ویژگی‌های مثبتی است (که ندارد)، این تلاش برای هماهنگی غیرعقلانی است. با وجود این اگر کنش‌گر نخواهد آن را بپذیرد، اینجاست که سوءبرداشت شکل می‌گیرد. برای مثال در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ این برداشت در سیاستمداران آمریکایی وجود داشت که چین و شوروی که هر دو دشمن واشنگتن

1. Robert Jervis.
2. Perception and Misperception in International Policy.

بودند، با هم دوست هستند و در نتیجه آنها تا مدت‌ها متوجه دشمنی بین آن دو نبودند. (Jervis, 1976: 124 - 125)

از نظر جرویس، وقتی اطلاعات پیوسته مغایر با باورها باشند، سوءبرداشت‌ها تداوم می‌یابند و سیاست‌ها نامتناسب می‌شوند. اگر تصمیم‌گیرندگان از خطاهای رایج در برداشت آگاه باشند، از اطمینان به باورهای غالب می‌کاهند. تصمیم‌گیرندگان باید از منظر طرف مقابل خود نیز به موضوع بنگرند، یا دست‌کم دیدگاه‌های ممکن بدیل را در نظر بگیرند. همچنین باید بدانند برای تغییر باورهای دیگران زمان زیادی لازم است یا گاه باید تغییر رفتار بسیار چشم‌گیر باشد تا طرف مقابل را متقاعد به تغییر برداشت و باور خود سازد. در این معنا، ریشه بسیاری از اختلافات داخل حکومت‌ها در مورد سیاست مناسب نیز وجود برداشت‌های متفاوت است و بخش مهمی از شکست‌ها در سیاست خارجی به دلیل سوءبرداشت‌ها است. (Jervice, 2006, Jervis, 1976: 409 - 410)

دوثرتی می‌نویسد:

برداشت ما از دشمن حتی اگر غلط هم باشد، می‌تواند به شکل‌گیری واقعیت کمک کرده و به این پیش‌بینی دوری منجر شود که وقتی سوءظن‌ها اوج می‌گیرند، حرکت دفاعی یکی از طرفین ممکن است از جانب طرف مقابل تحریک‌آمیز تلقی شده و آن را به انجام اقدام دفاعی متقابل برانگیزد که این عکس‌العمل تنها به تایید سوءظن‌های طرف اول کمک می‌کند. (دوثرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۴۲۲)

## ۲. تحولات یمن و نقش آن در منازعه ایران و عربستان

در ژوئن ۲۰۱۱ میلادی با تحقق برکناری عبدالله صالح و برگزاری همه‌پرسی در ۲۱ فوریه ۲۰۱۲، عبدربه منصور هادی به عنوان رئیس‌جمهور موقت انتخاب شد. با گذشت چند ماه و آشکار شدن وابستگی رئیس‌جمهور به کشورهای خارجی همچون عربستان به همراه استمرار بی‌ثباتی و عدم رضایت مردم از وضعیت اقتصادی، گروه‌های مختلف این کشور با محوریت «حوثی‌ها» در قالب جنبش انصارالله در سال ۲۰۱۳ با قیام علیه دولت، کنترل بخش‌های مهم کشور را به دست گرفتند. این موضوع بیش از پیش کاهش نفوذ کشورهای عربی منطقه و عربستان در یمن را به همراه داشت. به تدریج و با گذشت مدتی انصارالله به عنوان گروه اصلی مخالف وضع موجود با نیروهای نظامی و ارتش یمن علیه نفوذ کشورهای خارجی به همگرایی رسیدند. در فوریه ۲۰۱۵ با استعفای رئیس‌جمهور و ضمن انحلال پارلمان، کمیته عالی انقلابی قدرت را در اختیار گرفت. متعاقب این موضوع، انصارالله در عدن و استان الحدیده قدرت گرفت. منصور هادی نیز با فرار به شهر عدن و ضمن پس

گرفتن استعفا، خود را تنها رهبر مشروع کشور اعلام کرد و طی نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواهان حمایت از اقدام نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس علیه حوثی‌ها شد. (نطاق پور و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۲)

این شد که عربستان در مارس ۲۰۱۵ در قالب ائتلاف طوفان قاطعیت متشکل از برخی کشورهای عربی و اسلامی، حمله نظامی به یمن را آغاز نمود. با وجود این ریاض طی پنج سال تهاجم همه‌جانبه نتوانست به هدف اصلی خود؛ یعنی در اختیار گرفتن و یمن و تشکیل دولت مورد نظر خود در آن نائل آید. این در حالی است که ارتش و گروه‌های یمنی از سال ۲۰۲۰ - ۲۰۱۶ توانستند توان خود را در مقابل عربستان باز یابند. این موضوع به ویژه از سال ۲۰۱۶ تاکنون با یورش‌های حوثی‌ها علیه تاسیسات نفتی آرامکو و در دسترس قرار دادن فضای سرزمینی امارات شدت یافته است. (کیلانی، ۱۳۹۸)

در چارچوب این ارزش راهبردی یمن، ایران و عربستان تحولات این کشور را در راستای منافع خود می‌نگرند. ایران تحولات یمن را در قالب بیداری اسلامی ارزیابی کرده که سبب کاهش نفوذ غرب در منطقه می‌شود. سیاست خارجی در این بحران بیشتر بر نفوذ گسترده ایران در میان شیعیان زیدی و به ویژه جنبش حوثی‌ها متکی است؛ چرا که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر حوثی‌ها بسیار قابل توجه بوده و در میان تاکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است. از همین رو، تهران در حوزه منطقه‌ای نیز بر روند دموکراتیک در یمن تاکید داشته و مسائل یمن را در جهت ارتقای نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود ارزیابی می‌کند که بخشی از تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع این کشور را تشکیل می‌دهد. (رستمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۱ - ۱۲۹) ایران همچنین از ابتدا ضمن مردود دانستن تهاجم ائتلاف عربی به یمن، راه حل مورد نظر خود را در قالب طرح چهار ماده‌ای زیر به سازمان ملل ارائه نمود:

یک. برقراری آتش‌بس و توقف هر چه زودتر حملات نظامی خارجی؛

دو. فرستادن فوری و بدون وقفه کمک‌های انسان دوستانه برای مردم یمن؛

سه. از سرگیری گفتگوی ملی یمنی با هدایت مردم یمن و مشارکت نمایندگان تمام احزاب

سیاسی و گروه‌های اجتماعی این کشور؛

چهار. تشکیل دولت فراگیر وحدت ملی یمن. (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)

از طرف دیگر، عربستان در قبال تحولات یمن تنها ناظر تحولات نبوده، بلکه برای حفظ ساختارهای منطقه‌ای کوشیده است تا از تمام ابزارها حتی توسل به نیروهای امنیتی - نظامی استفاده کند تا مانع تغییر شرایط به ضرر خود شود. با اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و سقوط صدام، عربستان

تلاش فزاینده‌ای را برای گسترش نفوذ خود انجام داد، اما عملاً تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران و حضورش در ساخت دولت عراق را شاهد بود. بر مبنای این رویکرد تهاجمی، ریاض اقدامات مختلفی همچون ائتلاف‌سازی نظامی و کسب حمایت سیاسی، محاصره اقتصادی و نظامی، بی‌اعتنایی به هنجارهای حقوقی بین‌المللی، جبهه‌بندی سیاسی و مذهبی، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و دولتی، حمله نظامی و کشتار غیرنظامیان، مشروعیت‌زدایی از بازیگران مستقل و طرح دولت‌سازی نوین را در بحران یمن انجام داده است. (التیامی نیا و دیگران، ۱۳۹۵)

ریاض همواره نگران است که موج آزادی‌خواهی به داخل مرزهای آن سرایت کند و به فروپاشی نظام قبیله‌ای آن منجر شود، لذا تلاش می‌کند تا با کمک مالی به قبایل و احزاب یمنی، اوضاع یمن را در جهت منافع خود مدیریت کند. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۰ - ۱۶۹) هدف دیگر سعودی در یمن، جایگزینی حاکمیت در یمن به عنوان حکومت پیرو منطقه‌ای است. موضوع مهم دیگر، در رابطه با شیعیان است. این نقش که با برتری حوثی‌ها در یمن فزونی می‌یابد، از طرفی جامعه شیعی داخلی عربستان را تحت تأثیر قرار داده و از طرف دیگر بر گسترش ژئوپلیتیک شیعی در منطقه موثر است. عربستان به واسطه حاکمیت نظم وهابی در داخل این کشور، همواره مقابله با قدرت‌گیری شیعیان در داخل و در سطح منطقه را یک اولویت اصلی سیاست خارجی برای خود قرار داده است. (مرادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰۵ - ۲۰۳)

### ۳. منازعه ایران و عربستان در یمن بر اساس نظریه رابرت جرویس

از نظر جرویس در بررسی سیاست خارجی دولت‌ها در محیط‌های متشنج منطقه‌ای باید به نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی پرداخته شود، لذا اجمالاً به بررسی نظام تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عربستان و ایران اشاره می‌شود.

#### یک. نظام تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عربستان

نظام تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عربستان بیش از هر چیز همانند هر کشور دیگر با ساختار سیاسی این کشور درآمیخته شده است. نظام تصمیم‌گیری عربستان مبتنی بر نظام پادشاهی با تکیه بر اصول وهابیت است. در عربستان، پادشاه با داشتن مناصبی مانند رئیس دولت، ریاست کابینه، فرمانده کل نیروهای مسلح و صاحب اختیار تمام قوای اجرایی، قضایی و قانون‌گذاری است. پادشاه قدرت تصمیم‌گیری نهایی در موضوعات راهبردی با مشورت برخی عناصر موثر خاندان‌های سلطنتی و نقش محدودسازی نخبگان را دارد.

هر چند نظام پادشاهی اهداف کلان سیاست و روابط خارجی عربستان را تبیین می‌کند، برخی ابعاد تغییر در سیاست خارجی عربستان همواره با ظهور و سقوط پادشاهان همراه است. ملک سلمان از سال ۲۰۱۵ تغییر در ترکیب نخبگان سیاسی حاکم، نگرشی متفاوت را در سیاست خارجی حاکم ساخت که از آن به عنوان «عبور از محافظه‌کاری به سیاست تهاجمی» تعبیر می‌شود. نسل جدید نخبگان سیاسی که عمدتاً از نسل سوم هستند، باور دارند که رویکرد گذشته قادر به تامین منافع و امنیت آل سعود نیست و این کشور چاره‌ای جز به کارگیری تمام عناصر قدرت در منطقه را ندارد. (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۱۳ - ۱۱۲)

مهم‌ترین شاخصه سیاست خارجی عربستان در دوره جدید، تهاجمی شدن آن است که در قالب دکترین ملک سلمان اعمال می‌شود. این دکترین بیش از همه به دلیل نوع درک نخبگان جدید این کشور از روندها و اثرگذاری تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و استراتژی‌های قدرتهای فرامنطقه‌ای بوده و مبنای شکل‌گیری آن، جلوگیری از افزایش قدرت ایران در منطقه است. هدف اصلی این دکترین، جلوگیری از قدرت فزاینده ایران و تضعیف شبه‌نظامیان طرفدار این کشور است. (نورعلی‌وند، ۱۳۹۶: ۲۱)

علاوه بر نقش سیاست‌گذاران جدید که در نگاه جرویس مهم‌ترین نقش را در این فرایند دارند، نظام تصمیم‌گیری عربستان از متغیر ایدئولوژیک و هنجاری وهابیت نیز تأثیر می‌پذیرد. وهابیت اکنون به عنوان وجه ایدئولوژیک و هویتی دولت در عربستان است که تأثیر پایداری بر سیاست این کشور دارد. بعد از روی کار آمدن ملک سلمان و پسرش، وهابیت به ویژه در حوزه خارجی، قلمرو فعالیت خود را گسترش داده است. (اسدی، ۱۳۹۶) تصمیم‌گیری در سیاست خارجی عربستان همچنین تحت تأثیر درآمدهای کلان نفتی این کشور قرار دارد که این امکان را به ریاض می‌دهد تا با دست و دلبازی به کشورهای فقیر به ویژه کشورهای اسلامی و عرب کمک کند و از این طریق، نفوذ و اعتبار سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهد. (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۷۵)

## دو. نظام تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران

نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در سیاست خارجی ایران متفاوت از عربستان است. تفاوت اصلی در این بین به نوع حکومت دو کشور در قالب‌های اقتدارگرایانه و مردم‌سالاری برمی‌گردد. این موضوع همچنین باعث می‌شود که سیاست خارجی به معنای مصطلح آن در عربستان در جریان نباشد که مراد از این مفهوم بیشتر سیاست‌های خاندان حاکم برای تثبیت موقعیت خود است. به علاوه، تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران بیشتر حالت اجماعی دارد و سیاست‌گذاری کلان و اجرای آن در دستور سازمان‌های مختلف قرار می‌گیرد.



با این حال نظام تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران به معنای سلسله مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیرندگان و نهادها در فرایند تدوین و اجرای سیاست خارجی رعایت می‌کنند. این امر توسط افراد و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که دارای جایگاه و مرتبه مشخص و معین هستند. (زمانی و زیباکلام، ۱۳۹۷: ۴۲) قانون اساسی ایران اصل تفکیک قوا را پذیرفته و قوای سه‌گانه مجریه، قضاییه و مقننه مستقل از یکدیگرند، اما قانون اساسی اختیارات ویژه‌ای به رهبر تفویض کرده است که بخشی از آنها با تصمیم‌گیری سیاست خارجی مرتبط است. رهبری در هر سه مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست خارجی نقش بسیار مهم دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۶۲ - ۲۵۴) دهقانی می‌نویسد:

قوه مجریه رکن بعدی در نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران به حساب می‌آید. بر اساس قانون اساسی، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی پس از رهبر و مسئول اجرای قانون اساسی و مصوبات مجلس است. [به] صلاحیت رئیس‌جمهور در سیاست خارجی در برخی اصول قانون اساسی از جمله در اصل ۱۲۵ قانون اساسی اشاره شده است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۶۶ - ۲۶۳)

قوه مقننه در قالب مجلس شورای اسلامی رکن دیگر تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران است. مجلس در تصمیم‌گیری سیاست خارجی دارای صلاحیت‌های مستقیم و غیرمستقیم است. صلاحیت مستقیم اختیاراتی است که قانون اساسی صراحتاً در زمینه سیاست خارجی به مجلس واگذار کرده است. برای مثال تمام عهدنامه‌ها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسند، یا اینکه تغییر خطوط مرزی در محدوده شرایط خاص، تنها با تصویب مجلس انجام می‌شود. صلاحیت غیرمستقیم مجلس نیز تصویب بودجه، حق تذکر، سوال و استیضاح وزرا از جمله وزیر خارجه را شامل می‌شود. در کنار نهادهای یادشده، شورای عالی امنیت ملی نیز از آنجاکه به مسائل دفاعی و امنیتی کشور می‌پردازد، از ساختارهای موثر بر تصمیم در سیاست خارجی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۸۲ - ۲۷۷ و ۲۸۷ - ۲۸۵)

در کنار این ساختار سازمانی، آموزه‌های دینی شیعی نیز پایه تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران است. نوع برداشت ایران در سیاست خارجی نیز در قالب همین موضوع انجام می‌شود. اسلام شیعی علاوه بر نمودی که در قانون اساسی دارد، از طریق نهاد روحانیت نیز بر سیاست خارجی موثر است.

#### ۴. انگاره ایران از نقش عربستان (با محوریت بحران یمن)

برداشت‌های ایران در مورد عربستان و رهبران این کشور به ویژه در بحران یمن در سیاست خارجی این



کشور از اهمیت برخوردار است. در سال‌های اخیر نیز در سطح منطقه خاورمیانه، رویکرد ایران در قبال این کشور علاوه بر مباحث مربوط به قدرت و نفوذ، تأثیر فراوانی از برداشت‌های نخبگان سیاست خارجی ایران در مورد عربستان پذیرفته است. به‌طور کلی در دهه‌های گذشته در محافل سیاسی و امنیتی ایران در رابطه با عربستان دو دیدگاه تنش‌زدایی و گسترش روابط و سیاست موازنه و اعمال فشار همه‌جانبه برجسته بوده است. سیاست تنش‌زدایی در قبال عربستان در دهه ۱۹۹۰ با دستاوردهای خاص و چالش‌هایی همراه بوده و برغم تأکید ایران بر این سیاست در دوره‌های مختلف، دارای تداوم نبوده است. اما در یک دهه اخیر، سیاست موازنه‌سازی و اعمال فشار بر عربستان پررنگ‌تر بوده و به گسترش تقابل دو کشور در منطقه و حتی قطع شدن روابط انجامیده است. در حال حاضر نیز روابط دو کشور در شرایط عدم قطعیت و پیچیدگی قرار دارد. (اسدی، ۱۳۹۸: ۱۰۴ - ۱۰۲)

با وجود این در تشریح برداشت‌های ایران در مورد عربستان باید گفت که روابط هماهنگ ریاض - واشنگتن در منطقه در کنار رویکرد سازش‌ناپذیری که ملک سلمان و پسرش طی پنج سال گذشته در سیاست خارجی در پیش گرفته‌اند، در کنار پیش‌فرض‌های ایران که عربستان را از متحدان نزدیک آمریکا در منطقه می‌داند، باعث شده است که رویکرد رهبران تهران در قبال عربستان چارچوب منازعه‌محور و تخصیصی پیدا کند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی و تضمین‌گیرنده اصلی سیاست خارجی ایران معتقد است که پیش از هر چیز لازم است تا جهان اسلام به عمق سیاست‌های عربستان پی برده و آن را بشناسند: «جهان اسلام، اعم از دولت‌ها و ملت‌های مسلمان باید حاکمان سعودی را بشناسند ... باید به خاطر جنایاتی که در گستره جهان اسلام به بار آورده‌اند، گریبان آنها را رها نکنند». (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۱۷)

رهبر انقلاب اسلامی، سیاست هیئت حاکمه جدید عربستان در تهاجم به یمن را غیرقابل قبول ارزیابی می‌کند:

ما با سعودی‌ها اختلافات متعددی در مسائل گوناگون سیاسی داریم؛ اما این را همیشه می‌گفتیم که سعودی‌ها در کار سیاست خارجی‌شان یک وقار و متانتی نشان می‌دهند؛ این وقار و متانت را هم از دست دادند. چند جوان بی‌تجربه، امور آن کشور را در دست گرفتند و دارند آن جنبه توحش را غلبه می‌دهند ... من هشدار می‌دهم به سعودی‌ها، از این حرکت جنایت‌آمیزی که در یمن می‌کنند باید دست بردارند؛ این در این منطقه قابل قبول نیست.... (دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۲۰)

رهبر جمهوری اسلامی با یادآوری جنایات عربستان در یمن، سیاست‌های ریاض را در راستای

اجرای کردن رویکردهای آمریکا این‌گونه ارزیابی می‌کند:

جنگ در یمن، جنگ سیاسی است نه جنگ مذهبی؛ به دروغ می‌گویند که بحث شیعه و سنی است، درحالی‌که شیعه و سنی نیست. بعضی از آنهایی که زیر بمباران سعودی‌ها در یمن دارند بچه و زن و کودک شیرخوار و بیمارستان و مدرسه را از دست می‌دهند، شافعی‌اند، بعضی‌شان زیدی‌اند؛ بحث شیعه و سنی نیست، دعوا دعوی سیاسی است، دعوی سیاست‌ها است. (دفتر حفظ و نشر آیت‌اله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۵/۲۶)

گفتمان برخورد با عربستان به واسطه شراکت موثر این کشور در رویکردهای آمریکا در منطقه به ویژه در یمن در بین سایر مسئولان ایرانی و نخبگان موثر بر سیاست خارجی ایران نیز ریشه دارد. به علاوه، مقاومت یمن در نبردی که بیش از پنج سال نیز از آن می‌گذرد، به الگوگیری آن از انقلاب اسلامی و مقاومت ایران نسبت داده می‌شود. سرلشگر باقری رئیس ستاد کل نیروی مسلح ایران معتقد است:

اگر مردم یمن با دست خالی چهار سال و نیم در برابر تجاوز عربستان و امارات ایستادگی کردند و امروز به سلاح‌هایی دست یافتند که هواپیماهای دشمن را ساقط کرده و مراکز نفتی دشمن را نابود می‌کند، با الگوگیری از جمهوری اسلامی و دفاع مقدس بوده است. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۷/۲)

سرلشگر جعفری فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پیوندهای عربستان و اسرائیل این چنین اشاره می‌کند:

ما اطلاعات کامل داریم که آل سعود با همکاری رژیم صهیونیستی در حال تلاش برای ایجاد توطئه در کشور ما هستند. عربستان در کشورهای شیعه‌نشین تلاش دارد تفرقه و ناامنی ایجاد کند که الحمدالله تاکنون موفق نبوده است. (خبرگزاری انتخاب، ۱۳۹۵/۰۷/۲۷)

سرلشگر صفوی مشاور نظامی رهبر انقلاب نیز معتقد است:

سیاست‌مداران ایران با هوشمندی و خردمندی برتر، نقش و توطئه جدید عربستان را نیز در منطقه خنثی خواهند کرد. هدف ورود جدی عربستان به بحران‌های منطقه‌ای و ایجاد ائتلاف‌های متعدد، ایفای نقش رهبری در کشورهای اسلامی و تقابل با نقش منطقه‌ای ایران است که در صدد دعوت کشورهای اسلامی به وحدت و تقویت محور مقاومت اسلامی در منطقه است. (شکوهی، ۱۳۹۵: ۵۵ - ۵۰)

چنان‌که می‌بینیم، برداشت سیاست خارجی ایران نسبت به عربستان در یمن به صورت رقابتی و

منازعه محور و عمدتاً در قالب مفاهیمی همچون جنایتکار، متوحش، اذیت کننده، دروغ گو، فاجعه آفرین، فرقه گرا، زنده خنجر بر پشت جهان اسلام، مسخر آمریکا، دشمن جهان اسلام، زمینه ساز ایجاد بحران، خائن، کشور مخالف نقش منطقه ای ایران، کشور تنش زا و امثالهم در جریان است. این کدها و گزاره ها، آن چیزی است که جرویس نسبت دادن خصوصیات خوب به دولت های مورد علاقه و خصوصیات بد به دولت های مورد نفرت نامیده است و به نظر می رسد در مورد برداشت ایران از عربستان صادق است.

##### ۵. انگاره عربستان از نقش ایران با محوریت بحران یمن

با توجه به رویکرد تهاجمی که ویژگی اصلی سیاست خارجی عربستان در دوره فعلی است، برداشت نخبگان تصمیم گیر این کشور نسبت به ایران نیز در همین راستا شکل گرفته است. بروس رایدل،<sup>۱</sup> پژوهشگر ارشد خاورمیانه در اندیشکده بروکینگز<sup>۲</sup> معتقد است که سیاست خارجی ملک سلمان نسبت به ایران بسیار جنجالی تر از پادشاهان سابق سعودی بوده است. سیاست شناسنامه دار وی نیز جنگ در یمن است که هنوز موفق نبوده است. به طور کلی رهبر سعودی تغییرات جدی در مدیریت عربستان ایجاد کرده است. در حوزه سیاست خارجی باید گفت که سیاست های ملک عبدالله با ریسک کمتر و البته محتاطانه تر بود. پادشاهی عربستان در بهار عربی در بحرین و مصر به حامی ضدانقلاب بدل شد، اما در یمن وی به دنبال جایگزینی صالح با رژیم سازشکاری بود که تسلط سعودی بر صنعا را بپذیرد.

رابطه با ایران در دوره ملک سلمان بسیار تخریب شده است. عربستان علاوه بر تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی با ۴۰ عضو، کمپین اطلاعاتی و امنیتی را علیه حزب الله لبنان در منطقه به راه انداخته است. تنها دو ماه از حضور سلمان در قدرت گذشته بود که وی به یمن حمله کرد. ترس سعودی از این بود که ایرانی ها در آستانه احاطه بر مرزهای جنوبی عربستان باشند. ائتلاف سعودی به یمن حمله کرد و دولت دوست ریاض را در عدن به روی کار آورد. (رایدل، ۱۳۹۵) رفتار رهبران عربستان در قبال ایران دارای این ویژگی مهم است که آنها بر اساس برخی از تصویرسازی ها و باورهایی که نسبت به ایران دارند و تحت تأثیر برخی سیاست های ایران که منجر به ایجاد باورهایی از گذشته در آنها شده، برداشت و ادراک آنها را به سوی یک معمای امنیت سوق داده است.

##### یک. تصورات سلمان و بن سلمان از نقش ایران در منطقه

دال مرکزی سیاست خارجی عربستان در دوره سلمان، نقش بی ثبات کننده و مخرب ایران در منطقه

1. Bruce Riedel.
2. Brookings Institute.

است. بررسی مواضع و گفتارهای مقامات و ارکان مختلف نظام سعودی از سال ۲۰۱۵ از جمله پادشاه، ولیعهد و وزیر خارجه نشان می‌دهد که این مواضع و تلاش‌ها در جهت ایجاد گفتمانی جدید برای کمک به امنیتی‌سازی ایران با محوریت نقش بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه طرح‌ریزی شده است. آنها در اجلاس‌های کلیدی بین‌المللی مانند نشست‌های سازمان ملل یا اتحادیه عرب تلاش کرده‌اند تا ایران را علت اصلی تمام بی‌ثباتی‌ها و مشکلات خاورمیانه معرفی کنند. در کنار این موضوع، برخی عناصر کلیدی گفتمان عربستان در قبال ایران در این دوره عبارتند از: ایدئولوژیک و انقلابی بودن نظام ایران؛ عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی ایران؛ حمایت ایران از تروریسم؛ توسعه‌طلبی و مداخله‌گرایی ایران در منطقه و جاه‌طلبی هسته‌ای و موشکی ایران. این مفاهیم مدام در مواضع مقامات این کشور به ویژه ولیعهد تکرار می‌شود.

بن سلمان در تبیین ناامنی‌های منطقه‌ای، به تأثیرات انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کند و معتقد است انقلاب ایران با وجهه ایدئولوژیک خود باعث گسترش بی‌ثباتی در منطقه شده و در این شرایط، امکان به سامان رساندن روابط دو کشور وجود ندارد. سایر مقامات سعودی ضمن اشاره به وجهه ایدئولوژیک نظام سیاسی ایران، انقلاب ایران را منشا افراط‌گرایی در منطقه و حتی عربستان می‌دانند. رهبران سعودی معتقدند که این کشور تا سال ۱۹۷۹ کشوری معتدل بوده و انقلاب ایران باعث شیوع افراط‌گرایی در آن شده است. از نظر آنها، ایران در ابعاد مختلف و به ویژه اقتصادی با عقب‌ماندگی مواجه است و نتوانسته به مدرن کردن خود بپردازد. در این راستا عادل الجبیر وزیر خارجه پیشین عربستان، ایران را مظهر تاریکی و عربستان را مظهر روشنایی و پیشرفت برمی‌شمارد. (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۱ - ۹۰)

ملک سلمان در اردیبهشت ۱۳۹۶ در دیدار ترامپ با متهم کردن ایران به صدور افراط‌گرایی اسلامی به جهان گفت: «رژیم ایران از زمان انقلاب خمینی در سال ۱۹۷۹ به طلایه‌دار تروریسم جهانی بدل شده است». وی همچنین در اولین سفر رسمی به روسیه در مهر ۱۳۹۶ در دیدار با پوتین رئیس‌جمهور این کشور، ایران را به مداخله در بحران‌های خاورمیانه متهم کرد و گفت که چنین مداخله‌هایی می‌تواند ثبات در منطقه را برهم بزند. (ایران آنلاین، ۱۳۹۶/۷/۱۴)

پادشاه عربستان در افتتاحیه هفتمین دوره مجلس مشورتی عربستان در آبان ۱۳۹۷ گفت:

ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه عادت کرده و برای آشوب‌طلبی و ویرانی در منطقه تلاش می‌کند. از جامعه بین‌الملل می‌خواهیم که برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران را محدود کند و فعالیت‌های تهدیدآمیز آن را علیه امنیت و ثبات، متوقف سازد. وظیفه ما است تا به ملت یمن در مقابل شبه نظامیان کودتاچی تحت حمایت ایران یاری رسانیم. (الکوثر تی‌وی، ۱۳۹۷/۸/۲۸)

البته این سوال بی پاسخ مانده است که چگونه می‌توان همزمان ملتی را زیر بمباران پیوسته جنگنده‌ها قرارداد، زیرساخت‌های کشور را نابود کرد، از ارسال کمک‌های انسان دوستانه به کشور در حال دفاع ممانعت نمود، زنان و کودکان را به خاک و خون کشید و مدعی حمایت و دفاع از آن ملت شد؟! باری، باور رهبران سعودی در قالب ارزیابی ایران به عنوان تهدید در مسائل صدور انقلاب، حمایت از تروریسم و ... در مورد و لیمان جدید سعودی بیش از سایر مقامات این کشور صدق می‌کند. مواضع سخت در قبال ایران، از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی محمد بن سلمان است. او در ابتدای اردیبهشت ۱۳۹۵ در دیدار ائتتون کارتر وزیر دفاع آمریکا در نشست مشترک وزرای دفاع کشورهای عضو شورای همکاری گفت: «با چالش‌های بزرگی در سراسر جهان مواجه هستیم که از جمله آنها تروریسم و دخالت‌های ایران است. همه باید دست به دست یکدیگر داده و همراه با هم با دخالت‌های ایران مقابله کنیم». (خبرگزاری ابنا، ۱۳۹۵/۰۲/۱)

بن‌سلمان در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست در تیر ۱۳۹۶ گفت:

رویکرد دینی افراطی در عربستان پدیده‌ای جدید است و عامل آن انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ است. انقلاب ایران زندگی سعودی‌ها در طول سی سال گذشته را هدر داد و ما نمی‌خواهیم زندگی خود را به خاطر انقلاب خمینی که باعث افراط‌گرایی شده را تباه کنیم، ما اکنون می‌خواهیم به زندگی در دوره بعد از سال ۱۹۷۹ پایان دهیم، آن دوره دیگر تمام شده است. (ایسنا، ۱۳۹۶/۴/۲۵)

بن‌سلمان همچنین در مارس ۲۰۱۸ در سخنانی در شهر جدّه گفت:

همان‌گونه که هیتلر دنبال توسعه‌طلبی بود، ایران نیز اکنون در خاورمیانه به دنبال اجرای پروژه‌های خود است. بسیاری از کشورهای جهان و اروپا ابتدا خطر هیتلر را درک نمی‌کردند و پس از آنکه با آن روبرو شدند، متوجه آن شدند. نمی‌خواهم شاهد این اتفاقات در خاورمیانه باشیم. باید با جمهوری اسلامی که تحت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای رو به گسترش مرزهایش آورده، مقابله کرد. (خبرگزاری آناتولی، ۲۰۱۸/۳/۱۹)

وی در مورد رفتار منطقه‌ای ایران در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط در خرداد ۱۳۹۸ اظهار داشت:

امیدوار بودیم که رژیم ایران از برجام برای تغییر رفتار در قبال منطقه استفاده کند و به عنوان یک کشور عادی باشد؛ اما ایران عواید اقتصادی توافق را برای حمایت از اقدامات خصمانه‌اش در منطقه به کار گرفت. بودجه سپاه افزایش یافت و میزان حمایتش از شبه‌نظامیان فرقه‌گرا در منطقه و کل دنیا زیاد شد. حمله شبه‌نظامیان

حوثی مورد حمایت ایران به آرامکو بر اهمیت درخواست‌های ما از جامعه بین‌الملل درباره اتخاذ موضعی قاطع مقابل رژیم توسعه‌طلب تاکید می‌کند که حامی تروریسم و نسردهنده قتل و ویرانی در طول دهه‌های گذشته است. گزینه ما مقابل ایران، روشن است. آیا می‌خواهد کشوری عادی با نقشی سازنده در جامعه بین‌الملل باشد یا کشوری سرکش و قانون‌شکن؟ امیدواریم که ایران کشوری عادی باشد و دست از رویکرد خصمانه خود بردارد. (الشرق الاوسط، ۲۰۱۹)

#### دو. تصورات سایر کارگزاران عربستان از نقش ایران در منطقه

علاوه بر پادشاه و ولیعهد، رویه برداشت از نقش ایران به عنوان حامی تروریسم، کشور پرخطر و غیرعادی در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و ... در سایر مقامات عربستان نیز وجود دارد. عادل الجبیر، وزیر خارجه قبلی و مشاور کنونی دولت عربستان در سخنرانی در کمیسیون روابط خارجی اتحادیه اروپا در بهمن ۱۳۹۸ گفت: «ایران حامی اصلی شیعیان در جهان نیست؛ زیرا شیعیان عراق و لبنان امروز علیه سیاست‌های تهران تظاهرات می‌کنند. (ایسنا، ۱۳۹۸/۱۱/۲)

فیصل بن فرحان وزیر امور خارجه جدید عربستان نیز که به جای عادل الجبیر به این سمت منصوب شده، در نشست خبری با هایکو ماس وزیر خارجه آلمان در برلین در اسفند ۱۳۹۸ گفت: «تداوم فشار بر ایران برای توقف دخالت‌های این کشور در امور همسایگانش، امری ضروری است. تداوم حملات موشکی حوثی‌ها نشان می‌دهد که آنها در مسئله ایجاد آتش‌بس و حل بحران جدی نیستند. نقش ایران در ایجاد ناامنی در منطقه آشکار است.» (ایسنا، ۱۳۹۸/۱۲/۲)

آن‌گونه که مشخص است، برداشت نخبگان سعودی در مورد ایران با تاکید بر منازعه یمن مبتنی بر انگاره‌هایی از این دست: کشور ایدئولوژیک، بی‌ثبات‌کننده منطقه، افراط‌گرا، مظهر تاریکی، طلایه‌دار تروریسم در جهان، کشور مداخله‌گر، آشوب‌طلب، جنایت‌کار، کشور توسعه‌طلب، کشور صادرکننده انقلاب، نسردهنده قتل و ویرانی، سرکش و قانون‌شکن، کشور ایجادکننده ناامنی و ... شکل گرفته است. لذا بزرگ‌نمایی تهدید ایران و به تصویر کشیدن آن به عنوان خطر گسترده و فوری برای عربستان و خاورمیانه، در دستور کار سیاست خارجی عربستان قرار دارد. ریاض بیش از همه بر رویکرد توسعه‌طلبانه ایران بر اساس مبانی امپراتوری ایرانی یا ایدئولوژی شیعی تاکید می‌ورزد. در این وجه به حضور و نقش‌آفرینی ایران در یمن به عنوان مداخله آشکار و بی‌ثبات‌ساز ایران در جهان عرب توجه می‌شود. مقایسه نظام و رهبران ایران با حکومت هیتلر که بدان اشاره شد، افراطی‌ترین تلاش عربستان برای برجسته کردن هویت ایران به مثابه دولت توسعه‌طلب و مخرب به حساب می‌آید. (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۹ - ۸۹)

در کنار این، برداشت هویتی ایران در مورد عربستان ناشی از تهدیدات متقابلی است که در نتیجه نزدیکی ریاض با آمریکا به دست آمده است. ایران، حکومت سعودی را تسهیل کننده حضور سیاسی - امنیتی آمریکا در منطقه، همکاری فعال آن در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و به طور کلی همکاری برای تضعیف نقش منطقه‌ای خود می‌بیند. عربستان هم حضور فعال ایران در مسائل منطقه به خصوص مسائل عربی را تهدیدی ایدئولوژیک - امنیتی می‌بیند که با جنبه هژمونیک و ناسیونالیستی ترکیب شده است. (برزگر، ۱۳۹۲)

در شرایطی که تصمیم‌گیرندگان دو کشور یکدیگر را بر اساس خصوصیات منفی ارزیابی می‌کنند، همچنین وقتی که ادراک و احساس بر واقعیت غلبه پیدا کند، تمایل به نسبت دادن خصوصیات خوب به دولت‌های مورد علاقه و نسبت دادن خصوصیات بد به دولت‌های مورد نفرت افزایش می‌یابد. بر این اساس گفته می‌شود این خود واقعیت نیست که به سیاست‌ها و اقدامات شکل می‌دهد، بلکه تصویر واقعیت و یا تصاویر ادراک شده برای کنشگران است که به تصمیمات و اقدامات شکل می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به رغم شواهد مغایر، تصمیم‌گیرندگان سعودی همواره اصرار دارند که دولت ایران، ویژگی‌های مثبتی ندارد و عامل برهم زنده وضع موجود در منطقه است. این دریافت‌های ذهنی سیاست‌گذاران سعودی از ایران، چه درست باشد و چه غلط، در ذهن مقامات سعودی تبدیل به واقعیت شده و این یکی از عوامل مهمی است که مقامات سعودی در این سال‌ها بر اساس آن عمل می‌کنند. بر اساس این، در تحلیل منازعه میان عربستان و ایران می‌توان گفت این انگیزه‌های واقعی ایران نیست که اقدامات مقامات سعودی را در پی داشته است، بلکه برداشت‌ها و تصاویر ذهنی درک شده است که سیاست‌ها و فرایند سیاست‌گذاری این کشور مبنی بر مقابله همه جانبه با اقدامات ایران در منطقه و به ویژه در یمن را شکل می‌دهد. با این چارچوب، از منظر جرویس وقتی که دو طرف خود را در چنین وضعیتی می‌بینند، سعی می‌کنند تا همواره خود را برای بدترین سناریو آماده نگه دارند.

#### ۶. قرار گرفتن در شرایط معمای امنیت

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت ایران و عربستان در یمن بیش از همه درگیر نوعی معمای امنیت هستند. در وضعیت معمای امنیت، گروه‌ها و افراد نگران امنیت خود در برابر تهاجم یا تحت سلطه درآمدن توسط دیگر گروه‌ها و افراد هستند. آنها در تلاش برای دست یافتن به امنیت در برابر این نوع حملات ترغیب می‌شوند که برای در امان ماندن از تأثیر قدرت دیگران، به قدرت بیشتر و بیشتری دست یابند. این به نوبه خود بیشتر دیگران را نگران امنیت‌شان می‌کند و آنها را وادار



می‌سازد خود را برای بدترین حالت آماده کنند. از نظر جرویس معمای امنیت نه تنها می‌تواند به وجودآورنده منازعات شود، بلکه برای جرقه زدن به آتش جنگ زمینه لازم را فراهم می‌آورد. (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹: ۷۴ - ۷۲)

نکته مشخص در روابط ایران و عربستان، درگیری آنها در معمای امنیت در قبال یکدیگر است؛ به گونه‌ای که بخش اعظم تحولات منطقه‌ای در عراق، سوریه و یمن از همین معمای امنیت بین این دو کشور ناشی می‌شود. (Ben Huwaidin, 2015) آنچه رهبران سعودی را از گسترش نفوذ ایران و تضعیف جایگاه خود و متحدانش در منطقه نگران ساخت، رویدادهای پس از ۲۰۱۱ است. با سرنگونی سه دولت متحد سعودی در تونس، مصر و یمن و گسترش ناآرامی‌ها به شبه‌جزیره عربی، نه تنها توازن قوای منطقه‌ای به سود ایران به هم خورد، بلکه اقتدار سعودی در شبه‌جزیره به چالش کشیده شد. عربستان برای جلوگیری از سرایت ناآرامی‌ها و سرپوش گذاشتن اعتراضات شیعیان داخل، به صورت توامان سیاست تطمیع و سیاست مشت آهنین را برای سرکوب انقلابیون در پیش گرفت. (سمیعی‌اصفهان‌ی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸)

در این رابطه باید به چند نکته توجه نمود:

الف) معمای امنیت بین ایران و عربستان در یارگیری منطقه‌ای آنها در قالب نزدیکی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک با کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن از سوی ایران و کشورهای جنوب خلیج فارس و شمال آفریقا از سوی عربستان مشخص است.

ب) به واسطه پررنگی معمای امنیت به ویژه در طرف سعودی، دولت عربستان می‌کوشد با تحکیم هر چه بیشتر پیوندهای سیاسی و نظامی با آمریکا به تامین امنیت بپردازد.

ج) یکی از دلایل افزایش این معمای امنیت در یمن، سیاست خارجی تهاجمی عربستان است که تصمیم به شکل‌دهی به ائتلاف و حمله به یمن گرفت.

د) آنچه به صورت فراگیر دیده می‌شود این است که در بازی قدرت دو دهه گذشته در این منطقه، بلوک کشورهای عربی به رهبری عربستان نتوانسته‌اند در رقابت توام ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک، موفقیت‌چندانی کسب کنند. اما ایران با تکیه بر توان داخلی، بحران‌های منطقه‌ای پیرامون خود را مدیریت کرده و به عنوان قدرت برتر در منطقه مطرح است. پیروزی انصارالله و شکل‌گیری حکومتی مردمی در یمن، می‌تواند نشانه‌ای از دست برتر ایران در شکل‌دهی به ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شود. به همین دلیل عادل الجبیر وزیر مشاور سعودی در آذر ۱۳۹۸ از امکان رسیدن به آتش‌بس در یمن سخن گفت و اظهار داشت: «تمام یمنی‌ها از جمله حوثی‌ها در آینده یمن نقش دارند و احتمال رسیدن به

آتش‌بس و حل بحران وجود دارد». این گفته مؤید قبول قدرت ایران است؛ زیرا دلیل اصلی جنگ عربستان علیه یمن برکناری حوثی‌ها از هرم قدرت سیاسی بوده است.

### نتیجه

ایران و عربستان به عنوان دو قدرت مطرح در عرصه منطقه‌ای، در طول دو دهه اخیر درگیر رقابت‌های منطقه‌ای هستند. کشورهای عراق، سوریه، لبنان و بحرین مهم‌ترین مناطق درگیری دو کشور برای رقابت برای گسترش حوزه نفوذ هستند. با وجود این، به نظر می‌رسد که رقابت دو کشور در بحران یمن تبدیل به حالت منازعه شده است. در این راستا سوال اصلی در پژوهش حاضر این بود که منازعه ایران و عربستان در یمن را از منظر نظریه روانشناختی رابرت جرویس چگونه می‌توان تبیین نمود. در مقابل این فرضیه را نیز مطرح ساخته است که در نظریه روانشناختی رابرت جرویس، از آنجا که فاکتورهای اصلی دخیل در رفتار بازیگران، بر اساس باورهای یک بازیگر نسبت به بازیگر مقابل و برعکس شکل می‌گیرد، برداشت و سوء برداشت حاکمان عربستان نسبت به افزایش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و همچنین تمایل حاکم عربستان بر باور و تصویر قبلی از ایران که با اطلاعات جدید از نفوذ و قدرت ایران درک و پردازش می‌شود، آنها را درگیر یک معمای امنیت ساخته و از این منظر این موجب تشدید منازعه میان دو کشور در بحران یمن شده است.

برای پاسخ به سوال یادشده، بررسی نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران و عربستان دارای اهمیت است. نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی عربستان فراگرد خاندان حاکم و سلطنت جریان یافته است. این نظام تصمیم‌گیری مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای، با محوریت شخص پادشاه و وفاداری ارکان مختلف به وی و نظام پادشاهی است. اصول وهابیت و اقتصاد نفتی نیز به صورت مکمل عمل می‌کنند. حال آنکه با روی کار آمدن ملک‌سلیمان، رویکرد سیاست خارجی ریاض شکل تهاجمی به خود گرفته است که نمود بارز آن حمله نظامی به یمن در سال ۲۰۱۵ است. در سوی دیگر، در نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران تصمیم به شکل اجماعی اتخاذ می‌شود؛ بدین گونه که مقام رهبری بالاترین مقام برای اخذ تصمیمات کلان سیاست خارجی است که سیاست‌های کلی در این حوزه را تعیین می‌کنند. در این روند نقش قوای سه‌گانه حکومتی مجریه، مقننه و قضائیه در رده‌های بعدی قرار دارد. نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی در ایران همچنین تحت تأثیر نظام ایدئولوژیک شیعی قرار دارد.

مبتنی بر نظام تصمیم‌گیری سیاست خارجی دو کشور، برداشت‌های ایران و عربستان نیز از

یکدیگر به ویژه در بحران یمن کاملاً متمایز است؛ به گونه‌ای که برداشت‌های ایران نسبت به عربستان در یمن به صورت منازعه‌ای شکل یافته و در قالب مفاهیمی چون جنایتکار، متوحش، اذیت کننده، دروغ‌گو، فاجعه‌آفرین، فرقه‌گرا، زنده خنجر بر پشت جهان اسلام، مسخر آمریکا، دشمن جهان اسلام، زمینه‌ساز ایجاد بحران، خائن، کشور مقابل نقش منطقه‌ای ایران، کشور تنش‌زا در جریان است. برداشت عربستان در مورد ایران نیز مبتنی بر مفاهیم کشور ایدئولوژیک، بی‌ثبات‌کننده منطقه، افراط‌گرا، مظهر تاریکی، طلایه‌دار تروریسم در جهان، کشور مداخله‌گر، آشوب‌طلب، جنایت‌کار، کشور توسعه‌طلب، کشور صادرکننده انقلاب، نشردهنده قتل و ویرانی، سرکش و قانون‌شکن، کشور ایجادکننده ناامنی و ... شکل گرفته است. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی دو کشور، یکدیگر را با خصوصیات منفی ارزیابی کرده‌اند. لذا به نظر می‌رسد که این باورها و برداشت‌های دو کشور از هم بوده است که منازعه بین آنها را در یمن شکل داده است. از جمله این که طرفین به دلیل کشاکش توازن در بعد نخبگانی و نیز حمایت از جریان‌های داخل یمن با نوعی معمای امنیت مواجه شده‌اند.

## منابع و مأخذ

۱. اسدی، علی اکبر، ۱۳۹۸، «نقش عربستان سعودی در امنیتی سازی ایران؛ راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۲، ش ۳، پائیز، ص ۱۰۶ - ۸۳
۲. اسدی، علی اکبر، ۱۳۹۶، «سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۷۵، بهار، ص ۱۳۲ - ۱۰۷
۳. ایران آنلاین، ۱۳۹۶/۷/۱۴، «اظهارات ضدایرانی شاه سعودی در سفر روسیه»، قابل دستیابی در: <http://www.ion.ir/news/267006/>
۴. برزگر، کیهان، ۱۳۹۲، «روابط ایران و عربستان در دوره روحانی»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ش ۲۹۷۴.
۵. التیامی‌نیا، رضا؛ باقری دولت‌آبادی و جاسب نیکفر، ۱۳۹۵، «بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره پنجم، ش ۱۸، ص ۱۹۸ - ۱۷۱
۶. خبرگزاری ابنا، ۱۳۹۵/۲/۱، «اظهارات مضحک و ضدایرانی جانشین سعودی»، قابل دستیابی در: <https://fa.abna24.com/service/middle/archive/2016/04/20/>
۷. خبرگزاری آنا، ۲۰۱۸/۳/۱۹، «بن سلمان: ایران توان رقابت با عربستان را ندارد»، قابل دستیابی در: <https://www.aa.com.tr/fa/1092898>

۸. خبرگزاری انتخاب، ۱۳۹۵/۷/۲۷، فرمانده سپاه: سال‌های ۸۴ تا ۸۶ احتمال حمله به کشور وجود داشت، قابل دستیابی در: <https://www.entekhab.ir/fa/news/298870/>
۹. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸/۱۱/۲، «الجبیر: ایران حامی اصلی شیعیان جهان نیست»، قابل دستیابی در: <https://www.isns.ir/news/98110201022/>
۱۰. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸/۱۲/۲، «وزیر خارجه عربستان: تداوم فشار بر ایران امری ضروری است»، قابل دستیابی در: <https://www.isna.ir/news/98120201030/>
۱۱. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۶/۴/۲۵، «محمد بن سلمان افراط‌گرایی دینی در عربستان را ناشی از انقلاب اسلامی ایران دانست»، به نقل از روزنامه عکاظ، قابل دستیابی در: <https://www.isna.ir/news/96042514453/>
۱۲. خسروی، علیرضا و مهدی میرمحمدی، ۱۳۹۳، *مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۱۳. دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۱۷، «بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای منا»، قابل دستیابی در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1525#63641>
۱۴. دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۲۰، «بیانات در دیدار مداحان اهل بیت»، قابل دستیابی در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1525#59468>
۱۵. دفتر حفظ و نشر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۵/۲۶، «بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی»، قابل دستیابی در: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1525#59478>
۱۶. دهشیری، محمدرضا و فرشته معبودی، ۱۳۹۶، «ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، سال پنجم، ش ۱۹، ص ۱۷۱ - ۱۴۹.
۱۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال، ۱۳۸۹، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.
۱۸. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، ۱۳۹۰، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، ج ۶، تهران، قومس.
۱۹. رایدل، بروس، ۱۳۹۵/۱۰/۱۸، «نگاهی به دو سال پادشاهی جانشین ملک عبدالله؛ ملک سلمان سیاست خصمانه‌ای را نسبت به ایران پیش برد»، *روزنامه اعتماد*، ش ۳۷۱۳.
۲۰. رحم‌دل، رضا؛ رضا سیمیر و احمد جانسیز، ۱۳۹۸، «تحلیل ساختارگرایانه منازعه ایران - عربستان سعودی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره نهم، ش ۳۰، ص ۲۸۱ - ۲۶۵.
۲۱. رستمی، فرزاد؛ سمیرا اکبری و علیرضا تارا، ۱۳۹۶، «تحلیل راهبرد ایران و عربستان در قبال تحولات ۲۰۱۱ و تأثیر آن بر مناسبات میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس»، *فصلنامه سیاست‌پژوهی*، دوره چهارم، ش ۶، ص ۱۴۲ - ۱۰۹.

۲۲. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۷/۲، «سرلشگر باقری: نتیجه تجاوز به ایران انهدام و اسارت است»، قابل دستیابی در: <https://donya-e-eqtasad.com/>
۲۳. زمانی، محسن و صادق زیباکلام، ۱۳۹۷، «مفهوم تعادل در سیستم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مطالعه مورد عملکرد پسابرجامی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۶۶ - ۴۱.
۲۴. سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ محمدی عزیزآبادی و جاسب نیکفر، ۱۳۹۴، «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان سعودی در یمن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، ش ۲، ص ۲۷ - ۱.
۲۵. الشرق الاوسط، ۲۱ ژوئن، ۲۰۱۹، «محمد بن سلمان به الشرق الاوسط: جنگ نمی‌خواهیم و در تعامل با هر تهدیدی درنگ نمی‌کنیم»، قابل دستیابی در: <https://persian.aawsat.com/home/article/1770026/>
۲۶. شکوهی، سعید، ۱۳۹۵، «نقش برداشت‌های نخبگان در تنش میان ایران و عربستان سعودی»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره پنجم، ش ۴، ص ۶۳ - ۳۹.
۲۷. عبدالله‌خانی، علی، ۱۳۸۹، *نظریه‌های امنیت*، تهران، ابرار معاصر.
۲۸. عطایی، فرهاد و الهام رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۸۹، «بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، ش ۳، ص ۲۲۶ - ۲۰۹.
۲۹. الکوثر تی وی، ۱۳۹۷/۸/۲۸، «اظهارات ضدایرانی پادشاه سعودی»، قابل دستیابی در: <https://fa.alkawthartv.com/news/174624>
۳۰. کیلانی، عبدالعزیز، ۱۳۹۸/۷/۳، «پس از حمله‌ای که حوثی‌ها به آرامکو انجام دادند، دگرگونی موازنه قدرت در یمن»، *سایت لوبلاگ*، ترجمه تحریریه دیپلماسی ایرانی، قابل دستیابی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1986492/>
۳۱. مرادی، سجاد؛ مجید روحی دهبه و رضا سیمبر، ۱۳۹۶، «انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، ش ۲۱، ص ۱۹۷ - ۱۲۳.
۳۲. مصلی‌نژاد، عباس، ۱۳۹۵، «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان»، *فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۶، ش ۴، ص ۱۰۸۷ - ۱۰۶۷.
۳۳. منصوری‌مقدم، جهانشیر و علی اسمعیلی، ۱۳۹۰، «تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری محدود احمدی‌نژاد از منظر مدل پیوستگی جیمز روزنا»، *فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۱، ش ۱، بهار، ص ۳۰۰ - ۲۸۳.
۳۴. مهدویان، حسین؛ علیرضا آقاحسینی و علی‌علی حسینی، ۱۳۹۶، «زمینه‌های تعارض تحلیل سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان سعودی مقابل ج.ا. ایران در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پانزدهم، ش ۵۷، ص ۱۹۵ - ۱۶۵.

۱۰۹ □ بررسی منازعه ایران و عربستان در یمن با رویکرد روانشناختی سیاسی

۳۵. نجات، علی؛ سیده راضیه موسوی و محمدرضا صارمی، ۱۳۹۵، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۹، ش ۳۳، بهار، ص ۱۷۹ - ۱۳۷.

۳۶. نطاق‌پور، مهدی؛ مهدی بزرگ‌زاده؛ علی اکبری و سید فردین رضایی، ۱۳۹۶، «عوامل مؤثر جنگ عربستان علیه یمن»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، سال شانزدهم، ش ۸۵، پاییز و زمستان، ص ۱۹۳ - ۱۷۳.

۳۷. نورعلی‌وند، یاسر، ۱۳۹۶، «عربستان سعودی و تلاش برای موازنه‌سازی مجدد در برابر ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال بیستم، ش ۱، بهار، ص ۱۵۸ - ۱۳۳.

38. Bin Huwaidin, Mohamed (2015), "The Security Dilemma in Saudi - Iranian Relations", *Review of History and Political Science*, Nol 3, No. 2, p. 69 - 79.

39. Fraihat, Ibrahim (2020), *Iran and Saudi Arabia Taming a Chaotic Conflict*, Edinburg University Press.

40. Jervis, Robert (1976), *Perception and Misperception in International Politics*, Princeton: Princteon University Press.

41. Jervis, Robert (2006), "Understanding Beliefs", *Political Psychology*, 27, 5: 641 - 663.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی